

آینه خواص

صمصعهبن صوحان-۳

در رکاب امیرالمؤمنین

همان گونه که صمصعه نقش مؤثری در به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین علی(ع) داشت، پس از آن نیز، در تمام جنگ‌های حضرت حضوری فعال داشت.

بنا به برخی نقل‌ها در آغاز حکومت که امیرالمؤمنین(ع) پس از بیعت اولیه افراد سخنانی ایراد کرد، بلافاصله پس از سخنرانی و پس از افرادی، صمصعه نیز به پاخواست و گفت: «به خدا سوگند که ای امیرمؤمنان، تو خلقت را از راستی و آن تو را نیراست و تو مقام آن را بالا بردی و نه آن مقام تو را و آن به تو نیازمندتر است تا تو به آن.»

صمصعه توانایی فوق‌العاده‌ای در خطابه داشت تا جایی که امیر فصاحت و بلاغت، حضرت علی(ع) او را خطیب «شحشح» (خطیب ماهر و چیره‌دست) خواند.

بنا به نقل طبری، در ماجرای جنگ جمل که ربیعیان در برابر ربیعیان و بنیانین در برابر بنیانین صف‌آرایی کرده بودند، صمصعه دو برادرش، زید و سیحان، را از راستی و آن تو را نیراست و تو مقام آن را بالا بردی و نه آن در مقابل مضریان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دادند، بایستند. حضرت هم با درخواست آنان موافقت می‌کنند.

جایگاه صمصعه نزد حضرت

نقل شده است: وقتی حضرت علی(ع) از جنگ جمل بازگشتند، به محمدبن عمیر، احنبن‌قیس، صمصعهبن‌صوحان و چند تن دیگر می‌گویند: «شما سران یاران من هستید؛ بگویید درباره این جوانک عیاش (معاویه) چه باید کرد؟» صمصعه می‌گوید: «معاویه را هوس به عیاشی کشانیده و دل به دنیا داده و کشتن مردان برای وی آسان است و آخرت خویش را به دنیای آنها فروخته است، اگر با تدبیر درباره او عمل کنی، ان‌شاءالله نتیجه نیکو خواهد بود و توفیق به وسیله خدا و پیامبر(ص) و نوای امیرمؤمنان(ع) به دست خواهد آمد. صلاح این است که یکی از محارم مورد اعتماد خویش را با نامهای فرستی و او را به بیعت خویش دعوت کنی. اگر پذیرفت، تکلیف او روشن است، وگرنه با وی جهاد کنی و در قبال قضای خدا صبوری ورزی، تا کار یکسره شود.»

حضرت علی(ع) فرمودند: «ای صمصعه! دستور می‌دهم نامه را خودت بنویسی و نزد معاویه ببری. آغاز نامه را تهدید و بیم کنی و در انجام آن از توبه سخن بیاوری. شروع نامه چنین باشد: بسم الله الرحمن الرحیم، در بنده خدا علی، امیرمؤمنان، به سوی معاویه، درود بر تو، اما بعد... سپس آنچه را به من گفتی در آن بنویس و آیه **اَلْاٰیٰتِ اللّٰهِ تَسۡمِیۡرُ الْاَمۡوُرِ** را در عنوان نامه ثبت کن.»

صمصعه می‌پذیرد؛ پس نامه را آماده می‌کند و ساز سفری می‌نوازد و می‌رود، تا به دمشق می‌رسد و در دربار معاویه حاضر می‌شود و به دربان وی می‌گوید: «برای فرستاده امیر مؤمنان علی(ع) اجازه بگیر.» بنا به نقل منابع، در همان دور بود، میان او و دربانان معاویه مشاجره لفظی رخ می‌دهد. پس از حضور در کاخ معاویه، باز هم صمصعه حاضر‌جویی می‌کند و پاسخ‌های محکم، کوینده و در عین حال با فصاحتی به پرسش‌های او می‌دهد.

یادداشت

توجه به مطالعات دفاعی منطقه‌ای

علیرضا جلالیان

نیروهای مسلح در حوزه راهبردی به شناخت وضعیت پیرامونی نیاز مبرمی دارند. یکی از نیازهای اساسی این نیروها دانش و مطالعات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است. در واقع، هر واقعه‌ای که در هر کشوری اتفاق بیفتد، یک شعاع تأثیر خواهد داشت و با توجه به اینکه در عصر امروز با عمیق شدن نفوذ فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات فاصله‌ها کم شده است؛ از این رو شعاع‌های تأثیر اتفاقات گسترده شده و این امر روی همجوارها هم تأثیر می‌گذارد. هر اتفاقی که برای نمونه در منطقه غرب آسیا به وقوع می‌پیوندد، مطمئناً بخشی از تأثیرات آن اتفاق را باید در ایران هم جست. به این منظور نیروهای مسلح به مطالعات منطقه‌ای تخصصی اقدام می‌کنند و بر اساس این مطالعات برخی طرح‌ها و پیشنهادها را به عنوان تصمیم‌ساز به ساختار تصمیم‌گیرنده کشور ارائه می‌کنند. برای نمونه، تحولات کشورهای شرق کشور، مانند افغانستان و پاکستان به مطالعه و بررسی‌های دقیق نیاز دارد. تیرد با شوروی، تشکیل طالبان، دخالت‌های دستگاه‌های اطلاعاتی عربستان، پاکستان و آمریکا در جنگ‌های داخلی افغانستان، تشکیل سازمان تروریستی القاعده، حمله ۱۱ سپتامبر، حمله آمریکا … همگی به نسبت اهمیت‌شان در امنیت ملی و مسائل امنیتی ایران تأثیرگذار هستند یا درباره یمن، سوریه، عراق، عربستان، بحرین، فلسطین، لبنان، بحران موشکی کره، نبردهای شرق اوکراین، درگیری‌های دریای شرقی و… از این رو در نیروهای مسلح افزون بر تدریس دانش ژئوپلیتیک و مطالعات منطقه‌ای همواره در مراکز پژوهشی با رصد تحولات به بررسی روندها در این مناطق می‌پردازند. این بررسی موجب می‌شود از یک سو ارتباط و تأثیر و تأثیرات ناشی از این تحولات در نسبت با کشور درست رصد شود و از سوی دیگر بتوان در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌ریزی‌های این موضوعات را مدنظر قرار داد و حتی برخی از این تحولات را به نسبتی تغییر داد که به نفع کشور یا اهداف عالیه انقلاب اسلامی باشد. به راستی، رصد مناسب و صحیح تحولات موجب می‌شود بسیاری از تهدیدات عمدی یا غیرعمدی متوجه کشور به فرصت تبدیل شوند. گفتنی است، تشخیص درست تهدید در تحولات و ریشه‌های آن، شناخت دقیق از نقش دشمن در این تحولات، ارائه راهکارهای لازم، طراحی راه‌های مقابله در ساختار نیروهای مسلح و ساختار سیاسی کشور و… از مزایای این اقدام است.

باید توجه داشت که نوع این مطالعات به گونه‌ای است که در تمام کشورها اختیار این قبیل اقدامات تنها در دست دستگاه‌های امنیتی و نظامی است؛ چراکه این مطالعات عمدتاً محرمانه و امنیتی هستند و حساسیت دارند و نمی‌توان تمام یافته‌ها را در اختیار عموم گذاشت؛ از سویی در کشور ما این مراکز زیر نظر ارکان نیروهای مسلح و تحت فرماندهی فرمانده کل قوا عمل می‌کنند و ارتباط مستقیم نظام‌مندی با دولت‌ها ندارند، از این رو ممکن است برخی دولت‌ها توجه لازم را به این مطالعات نداشته باشند. برای نمونه امروز نوع تعامل دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت ترکیه مورد نقد این مراکز است، لذا باید برای این مشکلات هم چاره‌جویی شود و نحوه انعکاس مطالعات در تصمیم‌گیری‌های دولت و مجلس نیز مشخص شود.

هر چقدر انسان شادابی و نشاطش بیشتر باشد، هم از نظر جسمی سالم‌تر است و هم بازدهی و بهره‌وری‌اش بیشتر است. کلمه نشاط و شادابی، در قرآن و روایات، با عنوان «فرح» آمده که از اوصاف خدا هم است. در روایات داریم که خداوند با توبه بنده‌اش شاد و فرحناک می‌شود. نقطه مقابلش، مرح است، یعنی شادی مست‌آور و با غرور و نخوت. اینکه قرآن کریم می‌فرماید: روی زمین با غرور راه نروید. فرح یکی از اوصاف اهل بهشت است. خداوند در سوره عبس می‌فرماید: وقتی بهشتیان به صحرای محشر می‌آیند، چهره‌های‌شان درخشان و نورانی است و خندان و شاداب هستند. نقطه مقابل‌شان یعنی دشمنان‌شان، چهره‌های‌شان غبارآلود و غم‌انگیز است. پس همان‌طور که می‌بینید، نشاط و شادابی از اوصاف بهشتیان است. اتفاقاً در دعاهای پیامبر اکرم(ص) هم از نشاط یاد شده است؛ همان‌طور که فرموده‌اند: خدایا! به ما در زندگی، نشاط بده و ما را از کسالت، فشل، سستی، بهانه‌جویی، ضرر و از ملالت حفظ کن.

علی‌رغم پیشرفت علم در مباحث جسمانی و فنی، بشر در مباحث روانی پیشرفتی نداشته است و این مشکلات در جوامع، روزه‌روز در حال گسترش است. مواردی مانند بی‌نشاطی، افسردگی، کسالت، تنبلی و بی‌حوصلگی و نداشتن روحیه شادابی و نشاط خیلی خطرناک است. امروز روان‌شناسان می‌گویند مطالب روانی، هم در جسم انسان اثر می‌گذارد، مانند مشکلاتی که برای معده پیش می‌آید و هم در ذهن انسان اثر می‌گذارد. اما نشاط، مقاومت می‌آورد انسان‌های شاداب، حافظه و یادگیری‌شان بیشتر است؛ حتی قدرت بازدهی‌شان هم بیشتر است. یعنی شادابی، هم در تفکرات انسان و هم در جسم انسان و هم در یادگیری اثر مثبت دارد و حتی در مسائل اقتصادی، انسان‌های شاداب موفق‌ترند. شادابی حتی در مسائل سیاسی، در مصایب و شکست‌ها هم اثر دارد و لذا اصحاب امام حسین(ع) با اینکه می‌دانستند شهید می‌شوند، باز هم با یکدیگر مزاح می‌کنند؛ کسانیی مثل بربر که سیدالقراد بوده است؛ شخصیتی که کمتر کسی مزاح کردن او را دیده بوده است. شخصی به نام عبدالرحمن نقل می‌کند که دیدم بربر، شب عاشورا در حال شوخی کردن با دیگران است. به او گفتم: تو که اهل مزاح و شوخی نبودی! امشب این چه روحیه‌ای است؟ گفت: کسی که در راه امامش و دینش جهاد می‌کند و آماده بهشت است، آن قدر شاداب است که این شادابی از دهانش تراوش می‌کند و در قالب مزاح خودش را نشان می‌دهد.

اتفاقاً یکی از اصحاب امام حسین(ع) وقتی خدمت حضرت

رسید، همان آیه شادی را خواند. او یزیدبن سبیط است که لقب یزید بصراوی دارد. وقتی به حضرت وارد شد این آیه را خواند: «قل بفضل الله و برحمته فیدذلک فلیفرحوا» منظورش این بود که من از اینکه به امام ملحق شدم، خوشحالم. این نشاط و شادابی در یاران اباعبدالله وجود داشت. نشاط و شادابی به انسان مقاومت، قدرت تحلیل در مشکلات، صبوری و بردباری را می‌دهد. یکی از سؤالات مهم خانواده‌ها این است که چه کار کنیم که شاداب و بانشاط باشیم؟ و چه عواملی در زندگی انسان‌ها شادی می‌آورد.

در روایات، پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان پیدا کرد و آنها را به چند دسته تقسیم کرد: عوامل روانسی، عوامل عبادی، عوامل اخلاقی، عوامل ظاهری.

عوامل روانی نیز چند دسته است:

۱- مثبت‌اندیشی: یکی از چیزهایی که در زندگی ما را آزار می‌دهد، منفی‌اندیشی است. اگر انسان مثبت‌اندیش باشد و خوبی‌ها و داشته‌هایش را ببیند و در زندگی در قضایای مرتبط با بدبینی وارد نشود، موفق می‌شود.

پیامبر گرامی(ص) در جنگ خندق، وقتی کلنگ زد که سنگی را جابه‌جا کند و دور مدینه را خندق حفر کنند، از ضربه سنگ به کلنگ، جرقه‌ای حاصل شد، فرمودند: من در این جرقه، نابودی امپراتوری‌ها را می‌بینم. در زمان خودمان هم وقتی آمریکایی‌ها ما را تحریم کردند، امام خمینی(ره) فرمودند: تحریم خیلی خوب است، باید جشن بگیریم، چون که ما با تحریم، رشد و پیشرفت می‌کنیم. امروز می‌بینیم که در پرتو همان تحریم‌ها، در بیشتر زمینه‌ها به رشد و پیشرفت چشمگیری دست یافته‌ایم.

روزی ابوهاشم جعفری نزد امام هادی(ع) مشرف شد. او وضع مالی‌اش به هم ریخته بود و اوضاع اقتصادی‌اش مناسب نبود؛ اما احساس سالم بود و ولایت داشت و خیلی چیزهای دیگر داشت؛ یعنی داشته‌هایش را نمی‌دید و فقط اوضاع نامناسب اقتصادی‌اش را می‌دید. تا قصد داشت حرفی بزند، حضرت به او فرمودند: ابوهاشم! به چیزهایی که داری فکر کن؛ ایمان داری که جهنم نمی‌روی، سلامت داری که نماز می‌خوانی و عبادت می‌کنی، امنیت داری، ولایت و چیزهای مهم دیگری داری.

در زمان پیامبر(ص) شخصی را که فوت کرده بود آورده بودند تا حضرت برای او نماز میت بخواند. هر کسی شروع کرد به نحوی بدگویی کردن از او و بیان صفات ناشایستی که او داشته

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی

شادابی تحمل مشکلات را آسان می‌کند

است. حضرت رو به جمعیت کردند و فرمودند: یعنی این شخص هیچ کار مثبتی در زندگی‌اش انجام نداده است؟ شخصی گفت: یا رسول‌الله! من دیدم که او یک شب در راه خدا نگرهبانی داد. حضرت فرمودند: همین کافی است و برگشتند و نماز خواندند. امام حسین(ع) در برخورد با حرّ، مثبت‌اندیشی کرد و نغم‌مود تو را هر را بر ما بستنی و تو ما را به این صحرا کشاندی. حتی زمانی که شهید شد، حضرت سر او را بر بالین گرفت و فرمود: تو کسی هستی که مادرت بحق، تو را خر نامید.



اگر انسان نخواهد در زندگی مثبت‌اندیش باشد و موارد منفی را برجسته‌سازی کند، در زندگی به جایی نمی‌رسد.

سعدبن ابی‌عمیر، از اصحاب خاص چند امام و نویسنده معروفی بوده است. او را زندانی کردند و در زندان، ۱۲۰ ضربه شلاق به او زدند، به طوری که تمام بدنش مجروح بود، اما بانشاط بود و شکتجنه‌گرانش از دست او به تنگ آمده و گاهی خسته می‌شدند. با اینکه بدن ابی‌عمیر، کبود و خونین بود، اما محکم، استوار و بانشاط بود. این مقاومت، همان مثبت‌اندیشی و نشاط است. در روایت آمده است که سرور و شادی، ظرفیت انسان را بالا می‌برد و سبب می‌شود قدرت تحمل انسان بالا برود.

۲- ریاستن در حال: خیلی‌ها در فردا زندگی می‌کنند و خیلی‌ها هم در دیروز در جا می‌زنند. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: به مردم بگو نسبت به آنچه از دست داده‌اند، غصه نخورند.

ما نسبت به گذشته یک وظیفه‌ای داریم که همان ندامت و عبرت است. اگر کسی در گذشته گناهی انجام داده، پشیمان بشود و آن را تکرار نکند. اگر اتفاقی برایش افتاده، عبرت بگیرد تا دیگر آن اتفاق برایش نیفتد. نسبت به آینده هم یک وظیفه‌ای

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی
دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۱۴ رمضان ۱۴۳۷/شماره۷۵۴

داریم و آن تدبیر است. انسان باید برنامه‌ریزی کند تا موفق بشود. پس، نه باید در گذشته زندگی کرد و نه در آینده. عبیدالله حرّ جعفری در آینده زندگی می‌کرد. وقتی امام حسین(ع) او را دعوت کرد، عرض کرد می‌ترسم اگر دنبال تو بیایم خونم هدر برود؛ می‌خواهم جایی کشته بشوم که نامم جاودانه بماند. یعنی دنبال عنوان و شهرت بود. افرادی مانند جون، اسلم ترکی و یزیدبن‌سبیط که دنبال شهرت نبودند نام‌شان جاودانه شد و حتی کسی نمی‌داند اصلاً قبر عبیدالله حرّ جعفری کجاست؟ او در آب افتاد، غرق شد. عمرسعد در فردا زندگی می‌کرد؛ به همین دلیل مضطرب بود و می‌گفت من حکومت ری را می‌خواهم. این موارد، بد و خطرناک است.

بعضی‌ها کارهای خوب را به آینده ارجاع می‌دهند که اشتباه است؛ بلکه باید آن کار را در زمان حال انجام داد چون که در بسیاری از موارد، انسان‌ها برای آینده وعده می‌دهند و انجام نمی‌دهند.

۳- هدف‌دار بودن: انسان باید در زندگی هدف داشته باشد. بعضی‌ها مانند مرغ سرگردان هستند و دائم از این شاخه به آن شاخه می‌پرند. هدف‌داری، انسان را بانشاط و شاداب بار می‌آورد. ۴-اکتفا به داشته‌های خود: انسان باید به داشته‌های خود، اکتفا کند. روایت است: هر کس به دارایی‌های دیگران نظر داشته باشد، اندوهگین و محزون می‌شود، ولی در مسائل دینی، اگر انسان به دیگران استناد کند خیلی خوب است. همان‌طور که در قنوت نماز عید فطر می‌خوانیم که: خدایا! هر چه که انسان‌های خوب از تو خواستند، از تو می‌خواهیم.

روزی امیرالمؤمنین(ع) همراه با صحابی‌شان جایی ایستاده بودند که زنی از مقابل آنها رد شد که حجابش خیلی درست نبود. گاهی بدحجابی سبب گناه و نگاه شهوت‌آمیز جوانان می‌شود. حجاب، مصونیت و عزت است و گوهری را در میان یک فضایی حفظ کردن است. این چیز بدی نیست. حجاب جزء فطرت است. افرادی که دور حضرت بودند، به این زن نگاه کردند. حضرت آنها را ندامت کردند و فرمودند: به همسران‌تان اکتفا کنید و نگاه‌تان به دیگران نباشد. اگر کسی به داشته‌هایش اکتفا کرد، این موجب نشاط و شادابی در زندگی می‌شود.

افسردگی، کسالت، سستی، تنبلی و بی‌حوصلگی از بیماری‌های خطرناک روانی است که متأسفانه بخش‌های زیادی از فضای خانواده را در بر گرفته است. بیا باید در زندگی شاداب باشیم. ریشه شادابی و نشاط، در روایات اهل‌بیت(ع) وجود دارد. انسان‌های شاداب، گروه‌گرا هستند و روحیه تعاون دارند و مشکلات را سنگین نمی‌بینند.

مسئول اداره برنامه‌ریزی و ارزشیابی محتوای آموزشی معاونت عقیدتی در گفت‌وگو با صبح صادق

محور آموزش‌های قرآنی ماه رمضان آیات جهاد و پاسداری از اسلام است

■ ■ ■ حسن ابراهیمی ■ ■ ■

نقش معنویت در پاسداری از انقلاب

این پژوهشگر قرآنی پاسدار ادامه داد: معنویت رکن مهم پاسداری از انقلاب است و انس با قرآن یکی از ابزار کسب این معنویت است. ماه نزول قرآن مطمئناً یکی از بهترین روزها و ماه‌های سال برای این منظور است. بر اساس این، معاونت عقیدتی سپاه هر ساله در این ماه یک برنامه ویژه و کلان آموزشی در حوزه قرآن دارد که هر ساله با شروع ماه مبارک رمضان در تمام رده‌های سپاه اجرا می‌شود.

همت جمعی

وی افزود: معاونت عقیدتی در واقع استادان، درس‌نامه، متون آموزشی و به طور کلی برنامه‌های لازم را برای این منظور فراهم می‌کند و سایر دست‌اندرکاران در رده‌های مختلف، اعم از روابط عمومی و تبلیغات، فرهنگ، اجرائیات و… در رده‌ها اقدام به اجرای برنامه‌ها می‌کنند و این همتی جمعی است که می‌تواند یک برنامه را با این کیفیت محقق کند.
خراشاده‌ی‌زاده در پایان به نگاه رهبر معظم انقلاب در حوزه انس با قرآن و تدبر در آیات آن اشاره کرد و افزود: لازمه پاسداری از انقلاب اسلامی شناخت دقیق از پاسداری از اسلام با مراجعه به منابع اصلی، یعنی قرآن و اهل بیت و فهم درست این مسئولیت است.



هم کیفیت آموزش‌ها را ارتقا دهیم و هم در زمینه تأمین استادان با کیفیت و سطح علمی بالا مشکلی نداشته باشیم.

شروع قرآنی هر روز ماه رمضان

وی بسا بیان اینکه رمضان ماه بهار قرآن است، به برخی دیگر از برنامه‌های قرآنی ماه مبارک رمضان در سپاه اشاره کرد و گفت: آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن برای نیروهای وظیفه پس از تعیین سطح، تداوم دوره‌های روخوانی، روانخوانی و تجوید قرآن برای نیروهای پایور، برگزاری جلسات اخلاقی و همچنین آشنایی با مفاهیم قرآنی و انس با قرآن در طی هفته هر روز برای تمامی نیروهای پایور و وظیفه ابتدای ساعات کاری ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود.



طرح نور مبین از مدت‌ها پیش به سامانه‌های قابل بهره‌برداری از فناوری‌های جدید آموزشی مجهز شده است، این نرم‌افزار کمک خوبی به استادان برای آموزش بهتر می‌کند.

تداوم آموزش‌ها در طرح نور مبین

مسئول اداره برنامه‌ریزی و ارزشیابی محتوای آموزشی در ادامه با بیان اینکه مباحث مربوط به جهاد و پاسداری افزون بر ماه مبارک و رمضان در طی سال نیز روزهای شنبه در جلسات طرح قرآنی نور مبین ادامه پیدا خواهد کرد، افزود: ما برای این منظور از استادان سازمانی، غیرسازمانی و مدعو استفاده می‌کنیم و در این راستا تمام استادان و مربیان در مجموعه معاونت به صورت متمرکز پرونده آموزشی و ارزیابی دارند، با این اقدام توانسته‌ایم

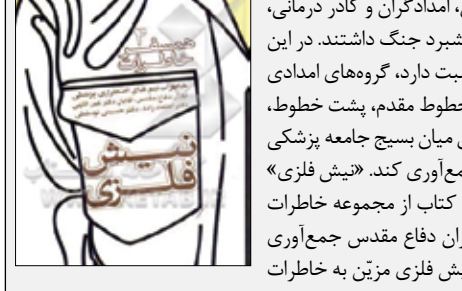
بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی

خراشاده‌ی‌زاده در ادامه به تهیه نرم‌افزار «پاورپونت» (اسلایدهای آموزشی) دروس مربوط به آیات جهاد و پاسداری اشاره کرد و افزود: فایل طراحی شده این دروس افزون بر اینکه در شبکه داخلی اتوماسیون اداری سپاه برای مربیان و یگان‌ها ارسال شده، در پایگاه سراج نیز برای استفاده عموم قرار گرفته است و با توجه به اینکه عمده محل‌های تشکیل کلاس‌های قرآنی پژوهشی با مرجع در دفاع مقدس شامل رزمندگان، فرماندهان، امدادگران و کادر درمانی، پشتیبانی و… می‌شوند. هر یک از این گروه نقش اساسی در پیشبرد جنگ داشتند. در این میان یکی از حیاتی‌ترین این گروه‌ها که دقیقاً با حیات انسان‌ها نسبت دارد، گروه‌های امدادی و پزشکی بودند.
خاطرات این عزیزان هم به نسبت حضورشان در خطوط مقدم، پشت خطوط، بیمارستان‌های صحرایی و بیمارستان‌های شهرها بسیار است. در این میان بسیج جامعه پزشکی در تلاش بوده تا این خاطرات و تجربیات را در قالب‌های مختلف جمع‌آوری کند. «نیش فلزی» محصول یکی از این تلاش‌ها است. کتاب «نیش فلزی» چهارمین کتاب از مجموعه خاطرات همسفر است که در آنها خاطرات گروه‌های اضطراری پزشکی دوران دفاع مقدس جمع‌آوری و چاپ شده است. چهارمین دفتر این مجموعه خاطرات با نام نیش فلزی مزّین به خاطرات پزشکان؛ آقایان دکتر عین‌اللهی، دکتر اعتمادزاده و دکتر تودشکی است.

کتاب در سه بخش تنظیم و در هر بخش خاطرات یکی از پزشکان آورده شده است. خاطرات دکتر بهرام عین‌اللهی در شش فصل، خاطرات دکتر سیدحسین اعتمادزاده در یک فصل و خاطرات دکتر حسینی تودشکی در سه فصل تنظیم شده و در پایان کتاب نیز تصاویری از حضور روایان خاطرات در بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس درج شده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «… اسم یک دانشجوی پزشکی به نام محمدعلیم عباسی گراوند را خواندند که جوان سر به زیر و باصفایی بود و من می‌شناختمش، عضو سپاه پاسداران بود، اما نبود. رفتم در ستاد دنبالش گشتم، دیدم یک گوشه توی تاریکی به دیوار تکیه داده. دستم را روی شانه‌اش گذاشتم و گفتم علیم‌جان اسمت را خواندند، چرا اینجا ایستادی؟ چرا نمی‌آیی؟ با دلتنگی سری تکان داد و گفت: باورت می‌شود دکتر! دیگر از شهدا خجالت می‌کشم باز بیام و صحیح و سالم برگردم. می‌ترسم این دفعه هم…» نیش فلزی در ۱۳۸ صفحه به کوشش انتشارات سیدجمالگان آسمانی بسیج جامعه پزشکی به زینت طبع آراسته شده و قیمت آن در چاپ اول ۵۰۰۰ تومان است.

گلی از باغ

«نیش فلزی» خاطره می‌شود



باید سریع‌تر به دفتر حزب می‌رسید



عصر روز هفتم تیر بود، صدای آذان بلند شد، دکتر در اتاق را بست. موقع آذان نمازش را در مطب می‌خواند و بعد بقیه مرضی‌ها رو ویزیت می‌کرد. از اتاقش بیرون آمد و خودش یکی‌یکی مرضی‌ها را ویزیت کرد و نسخه نوشت تا بتواند زودتر برود. لب‌هایش خشک شده بود، اما وقت آب خوردن نداشت، باید سریع‌تر به دفتر حزب می‌رفت.

به نقل از همکاران شهید دکتر محمدعلی فیاض‌بخش

محمدعلی ۱۶ اسفند ۱۳۱۶ در محله لوطی‌صالح تهران به دنیا آمد. چهار ساله بود که جنگ

جهانی دوم شروع شد. او به کودکستان و دبستان خسروی رفت. تابستان‌ها پدرش او را با خانواده به

مشهد می‌فرستاد تا هم سیاحت کنند و هم زیارت. علاقه زیادی به ورزش داشت، به طوری که سال سوم دبیرستان قهرمان کشتی

مدرسه مروی شد. دیپلم گرفت، اما سال اول دانشگاه قبول نشد. سال بعد (۱۳۳۶) دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران شد. در امتحان

اعزام به خارج (بورسیه) قبول شد، اما با اصرار مادر ماند و دکترایش را در تهران گرفت. سپس دو سال مشغول به سربازی شد. به همراه

سه نفر دیگر مأمور به منطقه هشه شدند، او در آنجا منشأ خیرات بسیاری شد. در همین سال ازدواج کرد. سپس دوره تخصصی را

در بیمارستان سینا شرکت کرد. مطبی در تهران زد. هوای بیماران نیازمند را داشت. در سمت پزشک کاروان چند سفر به حج رفت.

فعالیت‌های انقلابی او از سال ۴۲ شروع شده بود، او در جلسات انجمن اسلامی پزشکان شرکت می‌کرد، پای سخنرانی‌های شهید

مطهری و مفتح هم بود. نوارهای امام را گوش می‌داد و در پخش اعلامیه‌های امام مشارکت داشت. اوج فعالیت‌هایش ۱۷ شهریور ۵۷

در حادثه میدان شهدا بود. درمان مجروحان حوادث انقلاب را انجام می‌داد. از اعضای فعال حزب جمهوری اسلامی بود. با پیروزی

انقلاب با پیشنهاد او و با تجمیع ۱۶ سازمان در بهزیستی رئیس این سازمان شد. در نهایت هفتم

تیر ۱۳۶۱ همراه ۷۲ یار انقلاب در حادثه انفجار حزب جمهوری اسلامی به فیض عظمای شهادت نائل شد.